



ضعف‌ها را نمی‌پوشانیم

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در مراسم تودیع و معارفه معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، به انتقادات از جوان نبودن کابینه پزشکیان پاسخ داد و گفت: «این روزها یک مقدار به منش ارزشمند دکتر پزشکیان بی‌انصافی می‌شود. جوان‌گرایی با جوان‌سوزی فرق دارد. خیلی از بحث‌هایی که ما با آن در جامعه مواجه هستیم جوان‌سوزی است. می‌توان یک جوانی را چند ماهی در یک مسئولیتی گذاشت و بعد پرونده او بسته شود. چه جوان‌هایی را می‌شود مثال زد که اشتباه کردیم در یک جایی گذاشتیم که آمادگی نداشتند. در همه دولت‌های پس از انقلاب ما توانمندسازی و کادرسازی نکردیم برای همین مجبوریم مسئولان خودمان را از بین افراد خاص پیدا کنیم. یک جوان باید کشف شود و توانمندسازی شود و آماده شود برای پذیرش مسئولیت؛ چون این کار را نکردیم مجبوریم سهمیه‌بگذاریم. او افزود: «دچار مردسالاری هستیم، در جلسات گاهی از خانم‌ها حضور کمتری داریم. این موضوع را باید به عنوان یک نکته تعریف می‌کنیم چون می‌خواهیم شب در خانه دعوا نداشته باشیم. برخی از حرکات و رفتار، حداقل یک نگاه مسکنتی به مشکلات دارد؛ جامعه ما از نظر روانی، آمادگی زعامت، هدایت و رهبری زنان را ندارد. هنوز بعد از ۴ دهه از گذشت پیروزی انقلاب، برای حضور زنان در بعضی از مجامع، چالش جدی داریم.» معاون اول رئیس‌جمهور گفت: «برنامه هفتم که از امروز آن را به‌خوبی و با حضور وزرای دولت سیزدهم کلید زدیم و اولین شورای راهبری را با اعضای دولت شهید رئیسی برگزار کردیم. وزرای دولت سیزدهم تا امروز با تصمیمیت با ما همکاری کردند. صندلی‌ها عوض می‌شود، مسئولیت‌ها تغییر نمی‌کند. بنا نیست ضعف‌های خودمان را با یادگویی از وزرای دولت قبل بپوشانیم و آنها را نافی کنیم؛ بناسط نقد کنیم تا بهتر جلو برویم.» انسیه خزعلی نیز در این جلسه به عارف اعتراض کرد که چرا تعداد وزرای زن در کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم کم است؟ عارف در پاسخ گفت: «حالا رای این یکی را بگیریم، بعداً بیشتر استفاده خواهیم کرد.»



مسعود و چوبه دار

محسن رزانی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه اصفهان با انتشار یادداشتی در ساینش، با عنوان «مسعود و چوبه دار» نکاتی را خطاب به مسعود پزشکیان بیان کرد. در بخشی از این یادداشت آمده است: «مسعود گرامی! می‌دانم که بین دو تیغهٔ قیچی مردمی رنجیده و حکومتی نانسجیده گرفتار شده‌ای و این آغاز مصیبت است. چهار سال آینده را (اگر دو طرف بگذرانند بمانی) مصیبت خواهد داشت. اما میان و این مصیبت رابر دوش بکش که ایران نیازمند است. تو تنها رئیس‌جمهور ایرانی که باید چوبه دار خود را بر دوش بکشی. تو بمان که آینده‌ای برآیام و گذرگاهی بسخت در پیش داریم و وجود یک رئیس‌جمهور متعادل در آن شرایط سخت، از نان شب برای ما واجبتر است.»

ادامه از صفحه اول

از منظر حقوقی هم می‌دانیم آقای ظریف با شورای راهبری و تشکیل زیرگروه و کارگروه صدها چهره صاحب نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دانشگاهی خارج از کشور که برای راه‌مشورت‌دهی فراخوانده‌شده‌اند و خبری از راه‌های ساختاری متصلب دارند. جدای این که در معاونت راهبردی قرار بود مجال فراخی داشته باشد تا بتواند به مثابه حلقهٔ اتصال دولت پزشکیان با جامعه مدنی عمل کند. تقسیم وظایف به این صورت شکل گرفته بود که ماشین بوروکراسی دولت را محمدرضا عارف در مقام معاون اول هدایت کند. خود رئیس‌جمهور در تعامل با ارکان مختلف قدرت فعال باشد و در مواقع لزوم در نقش میانجی - اگر نه منجی - ظاهر شود و وظیف حلقهٔ ارتباط دولت با جامعه و بیشتر زنان و جوانان و فعالان اجتماعی و مدنی تا چراغ امید خاموش نشود و آنچه می‌سوزد (روشنایی دارد) چراغ باشد نه امیدی که با هزار زحمت دوباره زنده شد. خسارت بزرگ غیبی ظریف، فقدان این حلقه است.

نگاه اصلاح طلب

مصالحه ملی علیه یکدست‌سازی

تأملی بر مقاله سردبیر هم‌میهن درباره «دولت وحدت ملی دموکراتیک»



عباس موسایی فعال سیاسی اصلاح طلب

راوحدت‌کاریماتیک نام نهاد. در معنای پولانتزاسی، وحدت در الگوی وحدت ملی دموکراتیک، در نزال است، حال آنکه در الگوی فاشیستی، استثنایی و ناروا المند است. وحدت در الگو و پارادایم جمهوری اسلامی، بنابر اینکه کدام روایت، هژمون می‌شود به هر دو الگوی استثناگرایی و روالمندگرایی مدنظر نیکوس پولانتزاس، میل می‌کند. در برهه‌های مختلف وبا به رسمیت شناختن مشارکت ملی و ایجاد امکان برای حضور ملت، شاهد غنی‌سازی حکمرانی با حضور جمهور ملت و گرایش به درجای از وحدت ملی بوده‌ایم. گرایش بخش‌هایی از نظام حکمرانی به سمت پروژه یکدست‌سازی خالص‌ساز، گرایش به سمت سوسی استثناگرایی را در پی داشته و به تبع آن، وحدت ملی تضعیف شده است. رخداد اخیر و انعطاف در نظام حکمرانی برای مشارکت ملی، امکان شکل‌گیری دوباره‌ی وحدت ملی به طور نسبی را فراهم آورده است، آنگونه که رئیس‌جمهور محترم دولت خود را دولت «وفاق ملی» می‌نامند. وفاق ملی، معطوف به سپهر سیاسی کشور، صورتی روزآمد از هژمونی‌بانی گفتمان اصلاحات است که در آن شاهد حضور گسترده‌تر ملت در سپهر سیاسی هستیم. البته از طرفی شاهد مقاومت جریان استثناگر در مقابل عادی‌سازی بیشتریم.

در الگوی مصالحه ملی مدنظر رئیس‌جمهور به شرط وفاداری به منطق و مبانی گفتمانی اصلاح‌طلبی، نه آنگونه که مخالفان اصلاحات، وفاق ملی را تقلیل‌گرایانه به ائتلاف در تشکیل دولت و تحمیل استثناگرایی بر آن می‌دانند - شاهد گسترش پهنه امکان وحدت و انسجام ملی خواهیم بود.

دولت چهاردهم، برآمده از اراده‌ی حاکمیت در گذر از الگوی یکدست‌سازی به الگوی مشارکت ملی و در بازی گردانی هوشمندانه جبهه اصلاحات ایران در ذیل اصلاح‌طلبی چارچوب‌دار و با پرنسب آقای سیدمحمد خامنی، شکل گرفته است. از این رو، تلفی نام «وفاق ملی» بر دولت را می‌توان ناشی از توافق ملت، حاکمیت و با بازیگری بخش مؤثر جامعه مدنی (حد واسط ملت و حاکمیت) یا همان اصلاح‌طلبان دانست.

وفاق ملی را می‌توان رایت‌های (گونه‌ای) روزآمد، زمینه‌و زمانه‌پورده در اصلاح‌طلبی دانست. به میزان وفاداری دولت چهاردهم بر اصول و مبانی اصلاح‌طلبی، وفاق ملی می‌تواند گشایشگر سپهر سیاسی کشور در مسیر وحدت ملی باشد. حاکمیت به میزان پذیرش اصول و مبانی هویستی اصلاح‌طلبی و غنی‌سازی حکمرانی با مطالبات اجتماعی و اصول اصلاحات، می‌تواند زمینه‌ساز «وفاق ملی» باشد. از منظری دیگر، روایت استحاله‌طلبانه از مفهوم «وفاق ملی»، نه در مسیر وحدت ملی است و نه راهی به جایی می‌برد. وفاق ملی به شرط وفاداری به گفتمان برسازنده، از طی طریق راهبرد دولت و جامعه قوی، گام نهادن در مسیر دولت دموکراتیک ملی است. مصالحه همزمان با داخل و خارج، با رعایت حقوق اساسی شهروندان، حق حاکمیت ملی، ترمیم شکاف ملت و حاکمیت و گسترش پهنه امکان سیاست‌ورزی مصلحانه شکل می‌گیرد. این مطالبه اساسی را نمی‌توان به توافق‌گرایی مستحیل در قدرت و مختصات ناوضعیت کنونی تقلیل داد. گذر از استثناگرایی یکدست‌ساز به عادی‌سازی متضمن منافع و مصالح ملی، نیازمند توافق بر اساس الزامات سیاست مصلحانه است، در این مسیر تقلیل سیاست مصلحانه به توافق برای تقسیم‌دولت‌بین جناح‌های سیاسی، بیراهه‌ای راهزن است. واکنش روزنامه جوان به روایت آقای روح از وفاق ملی و وحدت دموکراتیک ملی را می‌توان بازنمای سیاست ضد وفاق بخشی مؤثر از جریان اصول‌گرا دانست. در یک کلام می‌توان وفاق ملی را روزآمد اصلاحات با درجای بیشتر از مصالحه‌جویی از سوی ملت و حاکمیت و بازیگرانی اصلاح‌طلبان برای ترمیم شکاف ملت و حاکمیت دانست.

دوست عزیز و گرامی ام، جواد آقای روح، سردبیر مجله‌ی صدا، روزنامه‌ی هم‌میهن و کانال تلگرامی راهبردی، که در شرایط عسرت سیاست در ایران، حاشیه‌نشینی سیاسی و تغلیظ یکدست‌سازی، در ایجاد امکان و امید به اصلاح از درون، تلاش‌های منحصر به فردی داشته‌اند، در آخرین نوشته‌شان تحت عنوان دولت وحدت ملی دموکراتیک، تبارشناسی شکل‌گیری دولت چهاردهم را کالبدشکافی کرده‌اند. این نوشته از نظر ارجاع به برخی رخدادها و تبیین مختصات سیاسی کشور که منجر به شکل‌گیری این دولت شده و نیز الگو و طرح‌واره‌ی که حول نام دولت (وفاق ملی)، آمده است، واجد نکات قابل‌تأملی است. در این نوشته ضمن قدرشناسی تأمل آقای روح، نکاتی را حول همین مسئله، البته نه در تقابل با آن که در جهت تقویت و هم‌راستایی با این مسیر، باز می‌نمایاند.

به کارگیری مفاهیمی چون پوززیسیون و اپوزیسیون که در ادبیات سیاسی، معنای مشخصی دارند، معطوف به مختصات سیاسی ایران به وقت اکنون، محل پرسش است. پوززیسیون و اپوزیسیون، به ترتیب به معنای دولت مستقر (حزب یا احزاب پیروز) و دولت در کمین (حزب یا احزاب منتقد) برای جایگزینی با دولت مستقر، تعریف می‌شوند و بیشتر در کشورهای با ساختار سیاسی پارلمانی تعریف می‌شود. احزاب در کمین نشسته برای پیروزی در انتخابات آینده بعدی و جایگزینی با بردگان انتخابات پیشین را همچنین دولت در سایه نیز می‌گویند. در فقره اخیر نیز ما در کشورمان با نوعی کژتابی مفهومی و مصداقی مواجه شده‌ایم.

از طرفی هر نوع تحلیل پیرامون تبیین وضعیت سیاسی کشور، می‌بایست قبل از هر چیز، تبیین و توصیف‌کننده‌ی چارچوب و مبانی نظری، آرایش سیاسی، ساختار سیاسی (حقوقی و حقیقی یا واقعی)، میزان تبعیت ساختار واقعی از ساختار حقیقی و... باشد.

نویسنده محترم در ادامه بر وجوهی از کژتابی مفهومی در سپهر سیاسی کشور، پرتوافکنی کرده‌اند. مفاهیم در دستگاه‌های نظری و گفتمان‌روایت‌های متفاوت، معانی متفاوتی دارند. مثلاً اینکه منظور از وحدت در نظر بهای دولت اقتدارگرا و دولت دموکراتیک بسیار متفاوت است، مورد التفات ایشان قرار گرفته است. وحدت در الگوی فاشیستی از دولت معنایی کاملاً متفاوت از معنای آن در الگوی دموکراتیک دارد. البته در حد فاصل این دو الگو می‌توان معانی متکثری از مفهوم وحدت را رونمایی کرد. آقا جواد روح عزیز در توصیف وحدت ملی یا وحدت کلمه مدنظر بنیانگذار (وحدت کلمه و نیز مصداق آن در عرصه اجتماع، از مفهوم «وحدت‌کاریماتیک محور ملی» رونمایی کرده‌اند. وحدت در الگوی وحدت ملی به روایت دموکراتیک آن معطوف به معنای مدرن ملت است که شامل شهروندان آزاد و برابری است که حاکمیت برآمده از اراده ایشان است. در عوض وحدت در معنای فاشیستی، پیروی از اراده پیشوا است. وحدت کلمه در گفتمان بنیانگذار، به‌رغم عدم انطباق با روایت دموکراتیک، با روایت اقتدارگرایانه نیز فاصله‌ی گسترده دارد. جمهور در جمهوری اسلامی، مؤسس آن، میزان رای ملت است و وحدت ملی در نظر، پیروی محض و بی‌چون و چرا نیست، هر چند دموکراتیک محض نیز نیست، شاید آنگونه که آقای روح می‌گویند بتوان آن

ابعاد دولت وحدت ملی در ایران

ما از آینده بی‌خبریم، اگر چه ممکن است که پیش‌بینی‌هایی داشته باشیم. فعلاً آنچه مسلم است اینکه در ایران ۱۴۰۳، ستیز قومی یا مذهبی و فرقه‌ای وجود ندارد. حمایت اقم بلوچ و کُرد با محوریت دولت مرکزی ایران که در چارچوب شعرهایی مانند «از زاهدان تا تهران، جانم فدای ایران» یا «کردستان، زاهدان، چشم و چراغ ایران» در جنبش ۱۴۰۱ بر سر اعتراض به سرنویشت رقم خورده برای یک دختر کُرد اهل سنت سر داده شد و با همراهی و همدلی سایر نقاط ایران و جامعه شیعی نیز همراه بود. مؤید این ادعاست که لاقفل فعلاً گسست حاد وجود ندارد. اما از آن جا که شاخص‌های واگرایی‌های اجتماعی و قومی ناشی از تداوم تبعیض و خشونت علیه زنان و جوانان و نادیده گرفتن مسائلی مانند گسست نسلی، انکار حقوق شهروندی و بی‌توجهی به حق انتخاب سبک زندگی و حقوق اقوام و اقلیت‌ها نیز در سالیان اخیر رشد چشم‌گیری داشته است، به نظر می‌رسد که وجوهی از معیارها و مبانی ناظر بر مفهومی که از آن به دولت وحدت ملی تعبیر می‌شود، در ساختار نرم‌افزاری و تعیین اعضای دولت چهاردهم باید رعایت شود.

البته باید توجه داشت که دولت وحدت ملی در شرایط استقرار قدرت با دولت وحدت ملی در شرایط پس از براندازی یا فروپاشی اساساً تفاوت ماهیتی دارد. این وحدت اگر چه ناظر بر ضرورت حضور رسمی نمایندگان از جامعه زنان، هنرمندان، اقوام، اقلیت‌های دینی و حتی بخش‌هایی از نهادها و شخصیت‌های محافظه‌کار خردگرا در ساحت مدیریت‌های ارشد دولتی اعم از کابینه یا استانداری‌ها و ادارات کل و فرمانداری‌ها و غیره است، اما به آن نحوی که در لبنان یا عراق مطرح است، شمول مطلق ندارد. ضرورتی وجود ندارد که دایره وحدت دولت چهاردهم بر سر جریان‌براندا یا نوحفاظله کاری افراطی نیز سایه افکند یا مدعی رفع مرزبندی سیاسی با آنان شود؛ اگر چه باید توجه داشت که مبادا این مرزبندی اصولی به نفع حقوق اساسی دگران‌دیشان و منتقدان و حتی براندازان در چارچوب ظرفیت‌های مندرج در فصل سوم قانون اساسی و آزادی بیان و عقیده به هر نحوی بیجانجامد و یا به تحمیل یا توجیه فضای امنیتی به جامعه منجر شود.

موانع دولت وحدت ملی

دولت روحانی به این جهت موفق نشد که نوحفاظله کاران و ساختار عالی مدیریت کلان نظام به موضعی که رهبری در خلال انتخابات ۱۳۹۲ بیان داشت: «کسانی که من را هم قبول ندارند، اما ایران را قبول دارند، بیایند و رای دهند» متعهد نمانند و از پذیرش فیم دموکراتیک از حاکمیت قانون سر باز زدند. پرش بنیادین این است که پذیرش آرای پزشکیان نیز تاکتیکی موقت است در راستای خرید زمان یا درک راهبردی و عمیق از شرایط حادی که چنان چه تدبیر نشود، به فرجامی بازگشت‌ناپذیر سوق پیدایی کند؛ آن چه پاسخ به این پرسش را از حیطه خوش‌بینی دور می‌کند، تداوم امکانات و ادامه رفتار و مواضع نهادهایی مانند کیهان و عدم امکان مهار نسبی رانت قدرت از جریانی است که دپیروز توسط احمدی‌نژاد نمایندگی می‌شد و امروز توسط امثال رائفی‌پور و جلیلی و طالب‌مدیریتی می‌شود.

اما نه فقط نوحفاظله کاران حاکمیتی و بلکه برخی دموکراسی خواهان مانند آقایان مهریین و حاتم قادری و غیره نیز به مدد رشد تمامیت‌خواهی در سالیان اخیر و تحقیر مداوم جنبش اصلاحات و نمایش ناکارآمدی دموکراسی در ایران در طول چهار دهه پس از انقلاب، با زبانی سلطه‌جو و با طرح و شیوع حرف‌های دهن‌پرکن و کلی‌گویی‌های انتزاعی که صرفاً متکی بر عقل نظری و درک غیرعمل‌گرایانه از مناسبات سیاسی اند، از انتخاب پزشکیان ناراحت و عصبانی اند و با بالا بردن سطح مطالبات عمومی، مانع از ارتقای امید اجتماعی می‌شوند. اینکه منتقدان یادشده تحلیل کنند که چرا دولت چهاردهم نمی‌تواند به اهدافش برسد، قابل درک است. اما اینکه در دوگانه جلیلی و پزشکیان، از انتخاب او عصبانی باشند و به هر بهانه، تخریب پزشکیان و ظریف را در دستور کار قرار دهند، دو پیام آشکار دارد: توجیه همه‌جانبه سازوکارهای براندازانه دوم، مسئله اصلی اصلاحات است و نه استبداد.

الزامات دولت وحدت ملی

از آن جا که دولت پزشکیان در معنای کلاسیک دولت وحدت ملی قرار ندارد، نیل به دموکراسی و توسعه نیز در عداد مسئولیت‌ها و مأموریت‌هایش قرار می‌گیرد. از این رو، دولت چهاردهم به سرمنزل نمی‌رسد، مگر آنکه موارد زیر را در عداد الزامات راهبردی خود قرار دهد: ۱. ترویج و تشویق نگرش عدالت‌خواهانه، آزادی‌محور و اصلاح‌طلبانه برای گذر به دموکراسی و توسعه. ۲. تقویت نهادهای جامعه مدنی از طریق افزایش فرصت‌ها و ظرفیت‌های ناظر بر تحزب و مشارکت رروافزون بخش خصوصی مستقل در اداره امور کشور در راستای مشی اصلاحات جامعه‌محور. ۳. دفاع از روش‌های مسالمت‌آمیز و مشی خشونت‌پرهیز. ۴. تشویق و ترویج تکتی‌پذیری و دگرپذیری در برابر انحصارطلبی و دست‌نزدی در عرصه حاکمیت و نهادهای جامعه‌مدنی. ۵. تقویت گفتمان استقلال‌نهادین از حکومت. ۶. بهره‌گیری از «راه‌مصدق» به عنوان الگوی ضروری برای وفاق ملی.

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران شماره: ۲۰۰۳۰۹۱۷۰۱۰۰۰۰۶۰
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره: ۱۴۰۳۱۹
موضوع مناقصه: باتری NI-CD
شماره تقاضای خرید: SAD-۰۱۰۰۱۸۳
بهربرداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، پیشنهاد فنی و پیشنهاد مالی از طریق سامانه ستاد می‌باشند. در غیر این صورت امکان ادامه حضور در روند مناقصه وجود نخواهد داشت.
تاریخ گشایش ضمانت‌نامه‌های شرکت در فرآیند ارجاع کار، ۲۴) پیشنهاد فنی و مطالعه پیشنهادات مالی پس از مشخص شدن نتایج ارزیابی کیفی شرکت‌ها، توسط کمیسیون مناقصات اعلام خواهد شد.
زمان برگزاری جلسه توضیح و تشریح اسناد متعاقباً اعلام خواهد شد.
۵- کلیه شرکت‌کنندگان در مناقصه لازم است در فهرست بلند منابع تأمین کالای دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) باشند.
۶- ارائه مفاسد حساب از سازمان تأمین اجتماعی قبل از تسویه حساب نهایی الزامی می‌باشد.
۷- با توجه به اینکه کالای موضوع مناقصه در داخل تولید می‌گردد، مناقصه بین تولیدکنندگان داخلی و تأمین‌کنندگانی که کالای موضوع مناقصه را از تولیدکننده داخلی تأمین می‌نمایند برگزار می‌گردد.
۸- اقالم مربوط به درخواست خرید SAD-۰۱۰۰۱۸۳ باید به صورت پیش‌سازیه آه آدرس: استان فارس-شهرستان فیروز آباد-ترسیده به فراشبند- منطقه عملیاتی آغار و دالان-انبار تدارکات کالا ارسال گردد.
۹- در صورت برنده شدن ارائه ضمانت‌نامه انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ معامله الزامیست.
۱۰- برنده مناقصه می‌تواند با ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر حداکثر به میزان ۲۵٪ کل مبلغ معامله پیش پرداخت دریافت نماید.
توجه: هرگونه تغییر در شرایط و زمان مناقصه به اطلاع کلیه شرکت کنندگان در مناقصه خواهد رسید.
در صورت ضرورت با شماره تلفن ۳۲۱۳۸۴۳۶ و ۳۲۱۳۸۴۳۶-۰۷۱-۳۲۱۳۸۴۴۲ تماس بگیرید و مکاتبات خود را به شماره ۳۲۱۳۳۴۴۲-۰۷۱- ارسال نمایید.

شناسه آگهی: ۱۷۶۷۵۴۹

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی